

سازگاری موضوع و فهرست مندرجات در کتابهای فارسی (علوم و علوم اجتماعی)

اشرف السادات بزرگی^۱

چکیده: کتابداران خدمات فنی معمولاً برای فهرست‌نویسی موضوعی کتاب از بخشهای مختلف آن کمک می‌گیرند. یکی از این قسمتها فهرست مندرجات است که پس از عنوان مورد توجه واقع می‌شود. اما اینکه تا چه حد می‌توان برای تعیین موضوع به اطلاعات فهرست مندرجات اعتماد کرد، جای تأمل دارد. در تحقیق حاضر میزان تطبیق موضوعهای تعیین شده برای کتابها توسط متخصصان کتابداری با فهرست مندرجات همان کتاب در دو رده علوم اجتماعی و علوم خالص سنجیده شده است.

فهرست‌نویسی، یکی از فعالیتهای کتابداران است که عموماً بسیار وقت گیر و پرهزینه است. این دو عامل خود موجب می‌گردند تا منابع کتابخانه دیرتر از زمان معمول به دست استفاده کنندگان برسند. حال اگر بتوان راهی را دنبال کرد که در این دو عامل صرفه جویی شود خود به خود کتاب در زمان کوتاهتری به دست استفاده کننده می‌رسد؛ و فراموش نکنیم که مهمترین هدف کتابداران ارضای استفاده کنندگان است.

هر کتاب از لحظه ورود به کتابخانه تا زمانی که در جای صحیح خود در قفسه کتابخانه قرار گیرد، مسیری را طی می‌کند که همراه با گذشت زمان است؛ و شاید اغراق نباشد اگر گفته شود که بیشترین سهم این زمان در جریان کار فهرست‌نویسی صرف می‌گردد. در این نوشته سعی بر ارائه روشی است که به کوتاهتر کردن مسیر فهرست‌نویسی و زمان سپری شده می‌انجامد.

در روند کار فهرست‌نویسی فعالیتهای مختلفی انجام می‌شود که بخشی از آن به تعیین سرعنوان موضوعی اختصاص دارد. تعیین سرعنوان موضوعی یعنی انتخاب نزدیکترین و

۱. عضو هیأت علمی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

خاص‌ترین واژه یا عبارت که مبین موضوع کتاب و طبق استانداردها و قواعد تعیین شده باشد. فهرست‌نویس برای پی بردن به موضوع کتابی خاص از بخشهای مختلف آن مانند: عنوان، فهرست مندرجات، مقدمه، و در نهایت متن کتاب کمک می‌گیرد. اولین مجرای برخورد فهرست‌نویس با کتاب عنوان آن است که در مورد میزان سازگاری موضوعها با عنوان کتاب پیش از این بحث شده است. (۱) در اینجا به بررسی جزء اطلاعاتی دیگر، یعنی فهرست مندرجات، و چگونگی ارتباط آن با موضوعها پرداخته خواهد شد.

جامعه مورد بررسی کتابهای مندرج در کتابشناسی ملی ایران، نیمه اول سال ۱۳۶۳ است که در آن مشخصات فهرست‌نویسی توسط متخصصان کتابداری با استفاده از منابع دقیق و استاندارد تعیین شده و موضوعهای آنها بر اساس کتاب سرعنوانهای موضوعی فارسی انتخاب شده‌اند. این جامعه قبلاً از نظر میزان سازگاری موضوع و عنوان مورد بررسی قرار گرفته و اینک دو رده علوم اجتماعی با ۹۹ عنوان و علوم خالص با ۹۴ عنوان کتاب از نظر میزان سازگاری موضوعها و فهرست مندرجات تجزیه و تحلیل می‌شوند. انتخاب این دو رده به دلیل نزدیکی تعداد عنوانهای آنها بوده است.

طبق بررسی قبلی موضوعهای علوم اجتماعی ۶۱٫۵ درصد و علوم خالص ۷۱ درصد با عنوانهای آنها سازگار بودند. بدین معنی که برای حدود ۶۰ درصد کتابهای علوم اجتماعی می‌توان براساس عنوان آنها عبارت موضوعی مناسب را انتخاب کرد و این رقم در مورد کتابهای علوم خالص به ۷۰ درصد بالغ می‌شود. در تحقیق حاضر سعی شده است چگونگی نسبت مذکور در مورد فهرست مندرجات و موضوعهای کتابها بررسی گردد تا معلوم شود آیا ارقام به دست آمده نتایج قبلی را تأیید می‌نمایند و در جهت تکمیل آنها هستند یا با یافته‌های پیشین متفاوت خواهند بود.

جهت این تحقیق مشخصات کتابها همراه موضوعهای آنها با رعایت ترتیب و تعداد موضوعها یادداشت شدند و سپس با مراجعه به کتابها فهرست مندرجات هر یک با موضوعهای آنها تطبیق گردیدند.

به لحاظ تعیین نوع رابطه موضوعها با فهرست مندرجات کدهایی به شرح زیر جهت آنها در نظر گرفته شد:

- کد ۱ به معنی وجود واژه موضوع عیناً در فهرست مندرجات
- کد ۲ به معنی ارتباط واژه موضوع و فهرست مندرجات به صورت ارجاع نگاه کنید به
- کد ۳ به معنی ارتباط واژه موضوع و فهرست مندرجات به صورت ارجاع نیز نگاه کنید به
- کد ۴ به معنی ارتباط واژه موضوع و فهرست مندرجات از طریق یادداشت دامنه موضوع

کد ۵ به معنی ارتباط موضوعهایی که نسبت به واژه‌های فهرست مندرجات حالت عام‌تر و کلی‌تر دارند.

کد ۶ به معنی عدم تطبیق موضوع و فهرست مندرجات.

در کنار هر یک از موضوعها کد مربوطه ضبط و نتایج جمع بندی به شرح زیر جهت تحلیل استخراج گردید:^۱

رده ۳۰۰ (علوم اجتماعی)

در این رده ۹۹ عنوان کتاب مورد بررسی قرار گرفت. از این تعداد ۲۵ عنوان کتاب فاقد فهرست مندرجات بود. جدول ۱ تعداد عناوین و موضوعهای مورد بررسی در رده علوم اجتماعی را نشان می‌دهد.

جدول ۱. جامعه مورد بررسی در رده ۳۰۰ (علوم اجتماعی)

تعداد عناوین موجود	تعداد عناوین فاقد فهرست مندرجات	تعداد عناوین مورد بررسی	تعداد کل موضوعهای داده شده
۹۹	۲۵	۷۴	۱۳۵

بنابراین جامعه مورد بررسی در این رده به ۷۴ عنوان تقلیل یافت. ابتدا سعی شد پراکندگی کدهای مختلف در موضوعها مورد سنجش قرار گیرد.

جدول ۲. پراکندگی کدها در کل موضوعها

مجموع موضوعها	کد ۱	کد ۲	کد ۳	کد ۴	کد ۵	کد ۶
تعداد موضوع	۵۵	۳۴	۳	۷	۱۵	۲۱
درصد	٪۴۱	٪۲۵	٪۲	٪۵	٪۱۱	٪۱۶
						٪۱۰۰

طبق جدول ۲، در مورد ۴۰ درصد کتابهای رده علوم اجتماعی می‌توان واژه‌های فهرست مندرجات را عیناً به کار برد و بیش از ۴۰ درصد دیگر را می‌توان از طریق ارجاعها دسترس پذیر ساخت اما در مورد ۱۶ درصد باقیمانده بایستی از مجراهای دیگر جهت تعیین موضوع بهره برد.

۱. درصدهای به دست آمده با تقریب ۰/۱ گرد شده‌اند.

در برخوردی دیگر به چگونگی وجود کدها در موضوع اول، که عموماً مربوطترین موضوع است، توجه شد.

جدول ۳. پراکندگی کدها در موضوع اول کتابها

	کد ۱	کد ۲	کد ۳	کد ۴	کد ۵	کد ۶	جمع
تعداد عنوان	۳۳	۱۹	۱	۳	۹	۹	۷۴
درصد	٪۴۵	٪۲۶	٪۱	٪۴	٪۱۲	٪۱۲	٪۱۰۰

به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت در مورد کتابهای علوم اجتماعی ۴۵ درصد موضوعهای اول را می‌توان دقیقاً از واژه‌های فهرست که مندرجات تعیین کرد و تنها برای ۱۲ درصد این گونه کتابها نمی‌توان از فهرست مندرجات بهره برد. در یک بررسی دیگر کتابها از نظر تعداد موضوعهای اختصاص یافته مورد توجه قرار گرفتند.

جدول ۴. پراکندگی کتابها براساس تعداد موضوعها

	موضوع ۱	موضوع ۲	موضوع ۳	موضوع ۴	موضوع ۵	جمع
تعداد عنوان	۳۳	۲۷	۱۰	۲	۲	۷۴
درصد	٪۴۵	٪۳۶	٪۱۳	٪۳	٪۳	٪۱۰۰

همان گونه که مشاهده می‌شود بیشتر کتابهای این رده تک موضوعی هستند و نهایتاً به ۱۳ درصد آنها ۳ موضوع اختصاص دارد اما این رقم در مورد کتابهای ۴ و ۵ موضوعی بسیار تقلیل یافته و در هر یک به ۲ عنوان یعنی تقریباً ۳٪ رسیده است و این اتفاقی نیست، زیرا بنا بر قواعد رایج فهرست‌نویسی سعی می‌شود به هر کتاب حداکثر تا سه موضوع داده شود و بندرت از این قواعد عدول می‌شود. (۴)

جالب توجه است که از دو عنوان کتابی که ۵ موضوع داشته‌اند در یک مورد تمام کدها ۵ بوده‌اند یعنی تمام موضوعها از واژه‌هایی عامتر از فهرست مندرجات استفاده کرده‌اند و در مورد دیگر تمام کدها ۶ بوده یعنی میان هیچ یک از ۵ موضوع و فهرست مندرجات رابطه‌ای وجود نداشته است. املاً بر مبنای مقایسه جداول ۳ و ۴ در ستون اول هر یک با عدد ۳۳ عنوان روبرو می‌شویم. یعنی ۳۳ عنوان تنها یک موضوع داشته‌اند و نیز در ۳۳ عنوان موضوع اول نزدیکترین نوع ارتباط را با فهرست مندرجات داشته است، بدین ترتیب اگر نگوییم موضوع تمام کتابهای تک

موضوعی نزدیکترین ارتباط را با فهرست مندرجات دارد می‌توانیم بگوییم موضوع اغلب کتابهای تک موضوعی با واژه‌های فهرست مندرجات ارتباط بسیار نزدیکی دارد.

جدول ۵. پراکندگی کدها در کتابهای تک موضوعی

	۱ کد	۲ کد	۳ کد	۴ کد	۵ کد	۶ کد	جمع
تعداد موضوع	۱۴	۹	—	۳	۵	۲	۳۳
درصد	۴۲/۵٪	۲۷/۵٪	—	۹٪	۱۵٪	۶٪	۱۰۰٪

رده ۵۰۰ (علوم خالص)

در این رده ۹۴ عنوان کتاب مورد بررسی قرار گرفت. از این تعداد، ۱۱ عنوان کتاب فاقد فهرست مندرجات بود. جدول ۶ تعداد عناوین و موضوعهای مورد بررسی در رده علوم خالص را نشان می‌دهد.

جدول ۶. جامعه مورد بررسی در رده ۵۰۰ (علوم خالص)

تعداد عناوین موجود	تعداد عناوین فاقد فهرست مندرجات	تعداد عناوین مورد بررسی	تعداد کل موضوعهای داده شده
۹۴	۱۱	۸۳	۱۳۶

۸۳ عنوان یاد شده ابتدا از نظر پراکندگی کدها در کل موضوعها، یعنی میزان ارتباط موضوعها با فهرست مندرجات مورد بررسی واقع شدند.

جدول ۷. پراکندگی کدها در کل موضوعها

	۱ کد	۲ کد	۳ کد	۴ کد	۵ کد	۶ کد	جمع
تعداد موضوع	۵۲	۳۱	۴	۱	۳۴	۱۴	۱۳۶
درصد	۳۸٪	۲۳٪	۳٪	۱٪	۲۵٪	۱۰٪	۱۰۰٪

بنابراین مشخص می‌شود به حدود ۳۸ درصد کتابهای این رده می‌توان دقیقاً براساس فهرست مندرجات موضوع داد و فقط در ۱۰ درصد کل کتابهای این رده هیچگونه ارتباط منطقی میان موضوع و فهرست مندرجات وجود ندارد، اما در این جدول وجود ۳۴ موضوع برای کد ۵ به معنی آن است که در ۲۵ درصد کتابهای این رده فهرست مندرجات به ذکر عبارات ریز و

تخصصی پرداخته در حالی که موضوع مناسب جهت آنها واژه‌های کلی‌تر و عام‌تر تشخیص داده شده است.

در مرحله بعدی به بررسی کدهای مختلف در اولین موضوع پرداخته شد.

جدول ۸. پراکندگی کدها در اولین موضوع کتابها

	۱ کد	۲ کد	۳ کد	۴ کد	۵ کد	۶ کد	جمع
تعداد موضوع	۳۸	۱۵	۲	۱	۲۱	۶	۸۳
درصد	۴۶٪	۱۸٪	۲/۵٪	۱٪	۲۵/۵٪	۷٪	۱۰۰٪

طبق آمار حاصل شده می‌توان نتیجه گرفت که عبارت موضوعی اولین موضوع ۴۶ درصد کتابهای این رده عیناً بر اساس فهرست مندرجات قابل تعیین هستند. در ۷ درصد کتابهای این رده هیچ‌گونه ارتباط معنی‌داری میان فهرست مندرجات و موضوع تخصیص یافته وجود ندارد، اما در ۹۳ درصد کتابها نوعی ارتباط میان آنها وجود دارد و با جستجوی واژه‌های فهرست مندرجات به هرحال می‌توان به آن موضوعها رسید.

جدول ۹ میزان کتابها را از نظر تعداد موضوعهای داده شده مشخص می‌کند.

جدول ۹. پراکندگی کتابها از نظر تعداد موضوعها

	۱ موضوع	۲ موضوع	۳ موضوع	۴ موضوع	۵ موضوع	جمع
تعداد عنوان	۵۰	۱۷	۱۳	۲	۱	۸۳
درصد	۶۰٪	۲۱٪	۱۶٪	۲٪	۱٪	۱۰۰٪

بر اساس این یافته‌ها حدود ۶۰ درصد کتابهای این رده فقط یک موضوع دارند و جالب اینکه تنها به ۳ درصد کتابها بیش از سه موضوع (چهار و پنج موضوع) اختصاص یافته است. در یک تقسیم بندی مجدد وضعیت کدها را در کتابهای یک موضوعی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

به این ترتیب ۳۸ درصد کتابهای این رده فقط یک موضوع و آن هم دقیقاً مطابق فهرست مندرجات دارند؛ و مجدداً به ۳۸ درصد آنها واژه‌های عام‌تر و کلی‌تر از فهرست مندرجات تخصیص یافته. نکته جالب اینکه در این رده هیچ کتاب یک موضوعی وجود ندارد که موضوع

آن با فهرست مندرجات ارتباط نداشته باشد یعنی به هر ترتیب در کتابهای یک موضوعی (۶۰ درصد کل کتابها) می توان تنها از واژه های فهرست مندرجات برای موضوع دادن بهره گرفت.

جدول ۱۰. پراکندگی کدها در کتابهای تک موضوعی

جمع	کد ۶	کد ۵	کد ۴	کد ۳	کد ۲	کد ۱	
تعداد موضوع	—	۱۹	۱	۲	۹	۱۹	۵۰
درصد	—	%۳۸	%۲	%۴	%۱۸	%۳۸	%۱۰۰

مقایسه نتایج به دست آمده

۱. در کتابهای علوم اجتماعی تعداد عنوانهای فاقد فهرست مندرجات ۲۵ عنوان یعنی حدود ۲۵ درصد آنهاست و این رقم در کتابهای علوم خالص نزدیک به ۱۲ درصد می باشد. بنابراین در فهرست نویسی کتابهای علوم اجتماعی کتابدار با مشکل بیشتری از نظر فقدان یکی از راههای دسترسی به موضوع کتاب مواجه است.

۲. مقایسه تعداد موضوعها و عنوانها در دو رده این نتیجه را حاصل می کند که عموماً در کتابهای علوم اجتماعی تعداد موضوعهای بیشتری به کتابها اختصاص یافته (به طور میانگین ۱/۸ موضوع برای هر کتاب در مقایسه با رقم ۱/۶ در علوم خالص).

۳. نسبت کتابهایی که موضوع آنها هیچ گونه ارتباطی با فهرست مندرجاتشان ندارد در رده علوم اجتماعی ۱۶ درصد و در علوم خالص ۱۰ درصد است. بنابراین، موضوعهای کتابهای علوم خالص را می توان با اطمینان بیشتری بر اساس فهرست مندرجات انتخاب کرد و این ارقام تأیید کننده درصد سازگاری عنوان و موضوعها در این دو رده و در واقع مکمل آنهاست:

جدول ۱۱. سازگاری سرعنوانهای انتخاب شده با فهرست مندرجات و عنوان

سازگاری عنوان و موضوع	سازگاری فهرست مندرجات و موضوع	
علوم اجتماعی (۳۰۰)	%۶۱	%۸۴
علوم خالص (۵۰۰)	%۷۱	%۹۰

به این ترتیب جهت سازماندهی مجموعه هایی در زمینه علوم خالص کتابداران می توانند اعتماد زیادی به عنوان و فهرست مندرجات داشته و بر این اساس موضوع کتابها را بیابند. اما

این رقم در خصوص مجموعه‌های علوم اجتماعی سازگاری کمتری را نشان می‌دهد و کتابداران جهت تعیین موضوع این گونه کتابها نیاز به مرور دیگر بخشهای کتاب و صرف وقت بیشتری دارند.

این نتیجه می‌تواند کتابخانه‌ها را در تنظیم نیروی انسانی و نیز تخصیص بودجه جهت سازماندهی انواع کتابها یاری رساند. ■

مآخذ:

۱. بزرگی، اشرف السادات. "بررسی میزان سازگاری موضوعها و عنوانها در کتابهای فارسی". فصلنامه کتاب، دوره ۲، ش ۴-۱ (بهار تا زمستان ۱۳۷۰): ص ۱۱۴-۱۴۵.
۲. کتابخانه ملی ایران. سرعنوانهای موضوعی فارسی. ویرایشگران پوری سلطانی، کامران فانی. تهران: کتابخانه ملی ایران، ۱۳۶۲.
۳. کتابشناسی ملی ایران: ۱۳۶۳، نیمه اول. تهران، کتابخانه ملی ایران، ۱۳۶۶.
۴. سلطانی، پوری، ویراستار. خدمات فنی. ویرایش ۷. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱.

5. Foskett, A.C. *The Subject Approach to Information*, 4 th ed. London: Clive Bingley , 1982:

6. *A Manual of Style*. 12 th ed. Chicago: The University of Chicago, 1969.